



- ۱ • این متن روضه است!
- ۲ • بهشت زوری / هدایت اجباری
- ۳ • دور از کربلا، همراه با معلی
- ۴ • معیارهای قاتل



این متن روضه است!

اصلاً به حرف من گوش نمی‌دهد. هرچه به او اصرار می‌کنم نرو، نمی‌شود، این کوفی‌ها آدم‌بشو نیستند به خرجش نمی‌رود. انگار آفتاب داغ حجاز احکام را هم از یادش برده است. هرچه می‌گویم آن امر به معروف و نهی از منکر که تو می‌خواهی برای آن خروج کنی، در کوفی جماعت احتمال اثر ندارد، انگار نه‌انگار. می‌گوید آن‌ها برای من نامه نوشته‌اند و وظیفه من است که به سمت ایشان بروم تا حجت تمام شود. فکر می‌کنم پاک یادش رفته مردم مدینه و عراق با ما چه کرده‌اند. به او یادآوری می‌کنم: حسین جان یادت نیست مادت هم حرف‌های تو را می‌زد؟ حرف اصلاح امت جدت و امر به معروف و حق پایمال شده علی (ع) و تبیین برای مردم از دهان مبارکش نمی‌افتاد. آخر و عاقبت آن همه‌شب در خانه این‌و آن رفتن و غدير را یادآور شدن چه شد؟ جز آنکه بر خانه‌اش هجوم بردند و کشتند و سوزاندند و علی او را دست‌بسته تا مسجد کشاندند؟ اصلاً می‌گویم آن مدینه بود و فرق می‌کرد. این کوفی‌ها که دست‌زن و بچه‌ها را گرفتند و به سمتش می‌روی جنایت را در حق پدیرت تمام کرده است. یا اشباه الرجال را از خاطر بردای؟ گریه‌های پدیرت از غربت خویش را به یاد بی‌آورد و نفرین‌هایی را که به مردم سنگدل آن دیار روانه کرد. به خدا قسمت می‌دهم کمی هم عدم احتمال اثر برای امر به معروف و نهی از منکر را نبر. زینب را می‌گویی از دوری تو دق

فردای عاشورا و شما

مفاهیم جدید و شیوه جدید هستیم، اما این روش‌ها چیست؟ امروز یکی از نقاط مؤثر و کلونی جنگ روایت‌هاست، روایت، یک فناوری اجتماعی مهم برای خلق حرکت‌های اجتماعی است. چند راه برای جنگیدن در زمانه امروز ما؛ یکم: جنگ روایت‌ها نیاز به جهاد روایت‌ها دارد. روایت‌هایی که از تلاش‌ها و مجاهدت‌های هرروزه جوانان این سرزمین در حال نقش‌بستن بر تاریخ است. اما آنچه هنگامی که روایت نشود، چندی بعد به فراموشی سپرده می‌شود. هر رویداد در امروز باید سوزیایی شود و به روایت در خور تبدیل شود تا بتوان آن عظمت جوانان ایرانی را به نمایش بگذارد. دوم: تصویرسازی امیدوارانه از این راه‌حل دیگری است. از دو دریچه، روشن نمودن تصویر کلملی از گذشته و خلق تصویر درستی از آینده. به نظر با این نگاه به ایران و اسلام می‌توانیم خود را آن گونه که باید ببینیم و "ما می‌توانیم" را درک کنیم. گذر از نگاه آسیب‌شناسانه به نگاه فرصت‌محوری در بین مردم، مسئولین و حلقه‌های میانی، راهبردی برای تغییر همه معادلات است. چگونه در ابتدای جنگ توانستیم معادلات دنیا را به هم بزنیم؟ قطعاً امروز هم می‌توانیم، اگر بخواهیم و باور کنیم که می‌توانیم. ایمان و امید موتور محرک و پیش‌ران در حرکت جامعه است که بهترین بستر برای آسازاری این ظرفیت در زمین وجودی جوانان امروزه قابل برداشت می‌باشد. دهه هشتادی‌ها، رهبران عرصه جهاد تبیین در ایران امروز و جهان فردا با میدان داری خود می‌توانند آنچه که شاید برای جمعیت زیادی از کشور دورزن‌دهن باشد را به آنچه در مقابل چشم مجسم است، تبدیل کنند.

یک دهه شور و شعور به پایان رسید. حال به فردای عاشورا نزدیک می‌شویم؛ اما رز و رمز عاشورا قرار نیست در قتلگاه تمام شود. البته این امتداد، دشواری‌های زیادی را به همراه دارد. آیا ما توان تحمل سختی‌ها

را داریم یا نه؟ چند قری به عقب برگردیم فردای عاشورا عقیده بنی‌هاشم مانده بود و همه آن مصاب که در این دهه شنیدیم و در خیال خود مجسم کرده‌ایم. امروزه ما در عصری به سر می‌بریم که می‌توان حضرت زینب (ع) را سوسه هم‌مین روزها در نظر گرفت، اما چه شد که آن لشکر اشقیاء در فردای عاشورا از توهم پیروزی به شکست حقیقی خود پی بردند؟ از شب عاشورا تا ابتدای ماه صفر نه‌تنها یک خطبه در روز خوانده شد که به نقل تاریخ در این ایام حضرت سجاد (ع)، زینب کبری (ع) و سایر بزرگان بیش از دو‌بست خطبه خوانده و گردوغباری که حقیقت را پوشانده بود با حماسه‌های کلامی خود پاک نمودند. ما در عصری تنفس می‌کنیم که از حقیقتی از دل تاریخ برآمده است، حرکتی مبتنی بر تبیین انقلاب اسلامی نه حاصل جنگ نظامی است و نه اقتصاد سرمایه‌داری، اما چه می‌شود که تبیین در این روزها به عرصه مبارزه مستقیم با دشمن و بر اساس عنصر شناسایی زمانه مبدل شده است؟ رویکردهای اصلاحی و مضامین دیگر کارگشا نیست، تحول؛ رهبرد جدید است و ما به دنبال ابزار جدید،

سرمقاله



سید علی رضوی دهکردی



امام روح الله

سید الشهداء را کشتند، اسلام ترقی‌اش بیشتر شد.

صحیفه امام، جلد ۹، صفحه ۴۴۵

بهشتِ زوری / هدایت اجباری

کسی با زور محجبه نمی‌شود، بی‌حجاب هم بی‌زور محجبه!

مهدی سرابلو

فردی و اجتماعی آغاز شد، قیام کرد؛ چراکه بین آن عملی که درملاعام و در عرصه عمومی انجام می‌گیرد، یک پدیده عمومی و اجتماعی است که یک تعلیم عمومی است؛ این خطا، برای حکومتی که به نام اسلام بر سر کار آمده است و برای مسلمانانی که در حکومت اسلامی هستند، تکلیف ایجاد می‌کند و جمهوری اسلامی (مثل حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و حکومت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله) وظیفه دارد در مقابل این حرام علنی و عمومی، چه کوچک و چه بزرگ، بایستد. شارع مقدس بر حکومت اسلامی تکلیف کرده است که مانع از رواج حرام الهی در جامعه بشود؛ لذا حکومت اسلامی موظف است در مقابل حرام و گناه بایستد.

نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که این ایستادگی و مقابله با ارتکاب حرام در عرصه اجتماعی لزوماً باهدف هدایت گناهکار و عامل به حرام نیست، بلکه مقابله برای ممانعت از رواج حرام در عرصه اجتماع و مسلمانان است. البته بدیهی است که پیوست هر اقدام سختی، نرم‌افزاری است که مقدم بر آن عمل کند، اصطلاحاتی مثل کار فرهنگی، گفت‌وگو و غیره، تعارضی با برخورد سخت در این مسئله نداشته و اساساً در مرحله‌ای پیش از آن تعریف می‌شوند. قانون، وظیفه‌های مردم‌داری از خطوط نهایی را عهده دارد و طبعاً کار فرهنگی وظیفه‌های همانند خطوط را؛ بنابراین ضعف در کنش فرهنگی، ممکن است به لزوم برخورد سخت و قضایی بینجامد. کار فرهنگی به دنبال تثبیت پایه‌های نرم‌افزار دینی و در عمل پذیرش حجاب در میان اشخاص و برخورد سخت به دنبال ممانعت از فروپاشی اخلاقی و حفظ حداقل مرزهای دینی (یا حتی ارزش‌های مورد پذیرش اکثریت) است، طبیعی است که کسی ابتدائاً، از برخورد سخت به دنبال باحجاب کردن آن بی‌حجاب، نبوده است؛ بنابراین نباید از برخورد سخت و قضایی انتظار تولید اعتقاد و تثبیت پایه‌های اخلاقی و دینی داشت، بلکه هر کدام از اجزای این نقشه در جای خود ایفای نقش می‌کنند.

در محرم امسال و پس از گذشت مدتی از فتنه «زن، زندگی، آزادی»، حجاب، کلیدواژه مهم سخنرانی‌های هیئات عزاداری است. برخی از برخورد سخت با بی‌حجاب‌ها و ممانعت از حضورشان در دسته‌های عزاداری و هیئات مذهبی صحبت می‌کنند و برخی در مقابل صف‌کشیده و از فراهم کردن شرایط و سهولت حضورشان در مراسمات دفاع می‌کنند. شاید نتوان مرز مشخصی میان این دو ترسیم کرد؛ اما لاقلاً این تفاوت برخورد با قشر شل حجاب یا بی‌حجاب، بین دو دیدگاه محرز است. سخنان منبری مشهور در هر یک از دو طیف، روز بعد تیتراهای رسانه‌های مختلف را پر می‌کند که هر یک به سود هدف خود سخن‌سرایی می‌کنند؛ اما اصل بحث (محل نزاع) کجاست؟ برخی بر این تکیه می‌کنند که درست است که بی‌حجابی حرام و بالتبع گناه است؛ ولی با بی‌حجاب‌ها را کاری نداشته باشید که در مجلس عزای اباعبدا... علیه السلام حاضر شوند و شرکت کنند تا بلکم از همین طریق کلام حق را بشنوند و هدایت شوند. از طرف دیگر عده‌ای با مذمت بی‌حجابی به‌عنوان حرام قطعی و نماد بارزی از فتنه اخیر، به دنبال مبارزه با مظاهر بی‌عفتی در هیئات مذهبی و بعضاً ممانعت از حضور با وضعیت مذکور، در مجالس هستند. سوای اینکه تصمیم‌گیرنده حضور افراد در مجالس عزاداری این نگارنده یا آن سخنران و منبری نیست و قطعاً حضرات معصومین علیهم السلام خود میزبان میهمانانشان هستند، باید تکلیف خود را با این چالش مشخص کنیم.

اولاً باید بدانیم کجای این کره خاکی ایستادیم و برای چه کسی یا زیر علم و بیرق چه کسی، سینه می‌زنیم. اینجا حکومت اسلامی و او که ماتم و عزایش عالمی را عزاداری کرده، حضرت حسین بن علی علیه السلام است؛ همو که در مقابل ضدیت علنی با اسلام قیام کرده و تمام‌قد ایستاد. مخالفت با حکم الهی تا زمانی که پوشیده بود و پس‌پرده مانده بود، برادر بزرگوارش امام حسن علیه السلام چنین نکرد؛ اما او زمانی که مخالفت علنی و عمومی با حرام الهی، به نحو

می‌کند، دیگر چرا بچه‌هایت را می‌بری؟ این‌ها کودکان، کوفی‌ها و شامی‌ها دل‌سنگاند. اتفاقی برای تو بیفتد معلوم نیست چه بلایی بر سر اینان بیورند. هرچه گفتیم او پاسخ داد. هرچه اصرار کردم او اعتنا نکرد و هرچه برای او خیرخواهی و توصیه کردم او لبخند تحویلیم داد. او رفت و من می‌دانم عاقبت خوشی در انتظارش نیست.

پیکری که فکر به آن لرزه به اندامم می‌انداخت رسید. چه شب‌هایی که با کابوس این پیک از خواب ناز پریدم. حسین تو چه کردی؟ به تو گفته بودم اثر ندارد. گفته بودم تبیین‌ات را بگذار برای بعد. یزید را نمی‌شود امر به معروف کرد. التماس کردم در خانه‌ات بنشین و تقصیرها را ببنداز گردن ساختار بد فرهنگی معاویه و کوتاهی مردم و تهاجم فرهنگی روم و قصور دستگاه‌های ذریط و دست‌های پشت پرده یهود و نصارا. هر از چند گاهی هم نامه سرگشاده بده و از خودت رفع تکلیف کن. چه کردی با خودت؟ این پیک فریاد می‌زند تو را میان دو نهر آب با لب‌تشنه کشتند. ارزشش را داشت؟ می‌گوید خیلی برای کوفی جماعت خطبه خواندی و موعظه کردی. دیدی افاقه نکردی؟ شنیدم موقع نصیحت‌هایت لهله کردند. سنگت زدند. ناسزایت گفتند. شنیدم هنوز حرفت تمام نشده بود که خون اصغر صورت مبارکت را گلگون کرد. تو که اینها را می‌شناسی، چرا اصغر را سر دست گرفتی؟ دیدی هرچه قدر تبیین کردی و خودت و اصل و نسبت را معرفی کردی و عبا و عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله را به تن کردی افاقه نکردی؟ می‌گوید به کهنه بپوش تو هم رحم نکردند. زن و بچه‌ات الان کجایند؟ در کدامین بیابان طی طریق می‌کنند؟ با کیان هم‌سفرند؟ خدا کند دروغ باشد، می‌گوید مقصد کاروانشان شام است. چه کردی با خودت عزیز زهرا؟ لاقلاً دیگر الان از آن بالا برایشان قرآن نخوان، به خدای قرآن، اثر ندارد. اینها قرآن نمی‌فهمند، سنگ می‌زنند. تبیین نکن حسین جان. تبیین هزینه دارد. تبیین خون می‌خواهد. تبیین خون دل می‌خواهد. کاش مثل من کنج عاقبت را بروی گزیدی و تبیین را می‌گذاشتی برای نامه‌های سرگشاده. رفتی و آرمانت هم رفت. **نماند بیرق پوسیده یزید اما / کتیبه‌های حسینیه ماندگار شده ست.** خوشا آن دم که انقلاب حسین ابن علی علیه السلام به دولت حقه تو پیوند بخورد مهدی جان. تبیین از زبان تو شنیدن دارد. السلام علیک حين تقرا و تبین.

دور از کربلا، همراه با معلی

محمدجواد مولوی

معیارهای قاتل

محمدرضا روشن نژاد مؤدب

آمدیم ثواب کنیم، کباب شدیم...

این روزها که درگیر مسائل و مصائب ریز و درشتی اعم از گرانی، ترافیک، آلودگی و... هستیم کمی سر خود را بالاتر بیاوریم خواهیم دید مسئله‌ای وجود دارد که یک، ده، صد یا هزار نفر را درگیر نکرده؛ بلکه مستقیماً گریبان حدوداً یک میلیون نفر و در کل میلیون‌ها نفر را سفت چسبیده است. مسئله‌ای کذایی به نام رتبه‌بندی معلمان! مسئله‌ای که در حال حاضر بیشتر شبیه یک لطیفه تلخ است تا طرحی جذاب و مفید.

رتبه‌بندی معلمان طرحی است که بر مبنای سند تحول بنیادین نظام آموزشی کشور تدوین شده است. این طرح با هدف ارتقای سطح زندگی معلمان و تکوین حرفه معلمي تدوین شده و توجه ویژه‌ای به بهبود کیفیت آموزشی و حتی پرورشی دارد! معلمان لازم است وضعیت شغلی خود در چند محور بهبود ببخشند تا بتوانند شایستگی‌های حرفه‌ای و مهارتی بیشتر کسب کنند. قانونی که در ۱۵ اسفند ۱۴۰۰ در مجلس به تصویب رسید، موضوع رتبه‌بندی معلمان از شهریور ۱۴۰۰ در حال اجراست و نکته بحث برانگیزی که وجود دارد این است معلمان که قبل از این تاریخ بازنشسته شده‌اند مشمول این قانون نمی‌شوند!

حال مسئله این است باتوجه به رتبه‌بندی صورت‌گرفته اکثر قریب به اتفاق معلمان زیر بار این رتبه‌بندی نمی‌روند چرا که معتقدند به آنچه مستحقش بودند نرسیدند. معلمان که با معیارها و شاخصه‌هایی که هیچ سختی با رسالت معلمي ندارد سنجیده شده‌اند. معیارهایی از قبیل تألیف کتاب، انتشار مقاله و شاخصه‌هایی که بیشتر برای سنجش رتبه اعضا هیئت‌علمی دانشگاه‌ها بکار می‌رود. همه می‌دانیم که رسالت شغل مقدس معلمي تعلیم و تربیت دانش‌آموزانی است که قرار است آینده این کشور عزیز را بسازند؛ اما آیا تألیف کتاب و چاپ مقاله ربط و نسبتی با این جایگاه شریف دارد؟ چه به ذهن پوسیده طراحان این نظام رتبه‌بندی رسیده است که چنین معیارها و شاخصه‌های خنده‌دار و مضحکی برای تعیین شایستگی معلمان وضع کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد که اساتید دانشگاه دستی بر طراحی این چنینی و کذایی نظام رتبه‌بندی داشته باشند؛ اما آیا صحیح است که استاد دانشگاهی که تجربه معلمي در نظام آموزش و پرورش ما را نداشته و در اکوسیستم کاملاً متفاوتی زیسته است بیاید خط کش بگذارد و معیار تعیین بکند؟ آنچه مسلم است وجود افراد در جایگاه نادرست در این مقوله است؛ مقوله‌ای که میلیون‌ها نفر را مستقیم و غیرمستقیم آن هم در این شرایط اقتصادی درگیر کرده است و مستقیماً به معیشت آنها مربوط می‌شود.



هرکدام سبک و شیوه مختص به خود را دارهستند کنار هم نشاندن و در خلال برنامه نیز از مداحان به نام دیگری همچون نریمان پناهی استفاده کرده‌اند. کار ویژه‌ای که البته حسن بزرگی دارد و آن هم رقم زدن عدالت اجتماعی در حوزه عزاداری است. حالا روستائین لب مرز یا آن بیمار روی تخت بیمارستان نیز می‌تواند از روضه و مداحی کسانی که دوستانشان دارد استفاده کند و فیض ببرد.

حالا ایده معالی، فراتر از یک برنامه تلویزیونی، جای خود را به عنوان یک حسینیه در ذهن مخاطبین جا انداخته است و بنابر آخرین آمار ثبت شده در سامانه آنلاین تلویزیون، ویژه برنامه «حسینیه معالی» تا این لحظه رقمی بیشتر یک میلیون مخاطب را در این سامانه به ثبت رسانده است. نکته مهم دیگر در رابطه با آمار مخاطبان «حسینیه معالی»، ثبات بازدید و مشاهده قسمت‌های جدید این برنامه است. در بسیاری از موارد پس از گذشت چند قسمت از پخش یک مجموعه داستانی یا برنامه تلویزیونی، کاهش و یا ریزش مخاطب را شاهدیم. یک عامل آن شاید عدم تطابق انتظار مخاطبان با واقعیت در حال نمایش آن سریال یا برنامه باشد. در واقع هرچه به طور تدریجی از پخش قسمت‌های یک مجموعه تا رسیدن به انتهای پخش طی می‌شود، با ریزش مخاطب مواجه است. اما مقایسه قسمت اول و آخرین قسمت پخش شده از «حسینیه معالی» چنین چیزی را نشان نمی‌دهد.

پس از سال‌های سال، صداوسیما توانسته است بخش بزرگی از مخاطبین را به رسمیت بشناسد؛ مخاطبی که اگر یک شب توفیق رفتن به هیئت را از دست می‌داد، هیچ خوراکی رسانه‌ای برای پرکردن این خلأ وجود نداشت. سفره بزرگ روضه سیدالشهدا (ع) هر شب توسط صداوسیما پهن می‌شود، سفره‌ای که آرزوی قشر بزرگی از مخاطبان بود و حالا به بهترین شکل به ثمر نشسته است.

تلویزیون را که روشن می‌کنید یا به بزرگترین حسینیه ایران می‌گذارید. حسینیه‌ای که یادآور خاطرات مشترک میلیون‌ها ایرانی از عزاداری ابا عبدالله است. در طول تاریخ شیعه، هر قوم با هر فرهنگی به شیوه خاص خود به سوگ شاه شهیدان نشسته است و حالا حسینیه «معالی»، دریچه‌ای برای دیده شدن عزاداری‌های سنتی است که هر ایرانی با آن ارتباط برقرار می‌کند.

سال به سال محرم‌ها می‌گذشت و صداوسیما هیچ جایی در کنذاکتور برنامه سازی خود برای پرباداشتن علم عزاداری در نظر نمی‌گرفت. هرچه در ساخت فیلم و سریال با موضوع محرم موفق بود در برنامه سازی هیچ ایده‌ای نداشت و شب به شب دهه محرم تنها ایده‌اش ارتباط مستقیم با حرم کربلا معالی بود.

در این فضای رخوت‌آلود ایده‌ها، جوانه معالی از دل هیئت بیرون زد و صداوسیما بستری برای رشد و شکوفایی این ایده شد. هرچند در فصل‌های ابتدایی این برنامه، فضای فرم زده تلنت‌شوگونه سایه سنگینی بر محتوا انداخته بود اما هرچه گذشت، ایده ایرانی-اسلامی هیئت، قالب را به تسخیر خود درآورد و در فصل چهارم معالی دیگر با یک ایده پخته شده رو به رو هستیم.

هرچقدر در فصل اول، دکور برنامه؛ ذهن ما را به سمت تلنت‌شوهای غربی می‌برد؛ امروز رنگ و بوی هیئت در استودیوی صداوسیما حاکم است. افزایش تعداد مخاطبان، نورپردازی متفاوت، استفاده خلاقانه از ویدیووال و حتی نحوه نشستن مخاطبان بر روی زمین، همه و همه نشانه‌های عبور از محدودیت‌های فرم برای رسیدن به حد اعلای محتواست.

در فصل اول اگر به شیوه تلنت‌شوهای سعی کرده بودند یک کارشناس مذهبی و یک مداح و شاعر را در برنامه حاضرکنند؛ امروز ۴ نفر از بهترین مداحین کشور را که



در ایام عزای حضرت سیدالشهداء ویژه‌نامه حسینی حیات منتشر گردید:

در این حیات می‌خوانید:

مصاحبه با فرید بذر افشان:

تفاوت اصلی مکتب اهل بیت با سایر مکاتب، جذابیت محتوای آن است. مکاتب دیگر اگر ظاهراً جذابیتی هم دارند، بار این جذابیت را «قالب» به دوش می‌کشند. ولی در مکتب اهل بیت جاذبه اصلی در معارف و مظهر ماجرا است. حق، بالذات جذاب است و معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، حق است. حال ما باید بتوانیم با قالب‌های متناسب این زیبایی و جذابیت را نشان دهیم، نه این‌که معارف و محتوا را جذاب کنیم.

مصاحبه با دکتر شریف لکزایی:

امام موسی صدر وارد جریان رایج سیاست در لبنان نشد؛ به این معنا که منصب سیاسی (ریاست جمهوری، وزارت، وکالت و...) را به عهده بگیرد، البته ساختار سیاسی لبنان هم این‌طور نیست که یک شیعه بتواند ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری را به دست بگیرد. نظام سیاسی لبنان بر اساس نظام فرقه‌گرایی تقسیم شده است. امام موسی صدر می‌خواهد به‌عنوان یک عالم دینی وارد عمل شود؛ بنابراین مستقیم وارد این عرصه‌ها نمی‌شود. تبعاً فعالیت‌های که دارند به‌صورت غیرمستقیم بر روی سیاستمداران تأثیر می‌گذارد و از این جهت قابل‌مطالعه و تأمل است که ببینیم آن تأثیرات برجای گذاشته چگونه بوده است.

مصاحبه با دکتر محمد صادق نصرت‌پناه:

اینکه نهضت حسینی فصل مشترک همه جریان‌ات مبارز قبل از انقلاب است یک دلیل مهم دارد و آن این است که حضرت امام یک غبارزدایی از قیام عاشورا می‌کند و حقایق نهضت عاشورا در مسیر مبارزه بدین ترتیب یک جلوه‌ای می‌کند. همچنین گرایش‌های دینی و مذهبی مردم هم مشخص می‌شود و لذا گروه‌های مبارزاتی دو راه دارند که یا باید مردم را به خط ایدئولوژی خودشان بکشند که شکست خورده است یا اینکه باید خودشان را هم‌رنگ مردم در گرایش‌های مذهبی نشان دهند که این مسیر را انتخاب می‌کنند.



برای خریداری نسخه مجازی اسکن کنید!

Hayat mag



فر فرود در هیئت

روایت هیئت نوجوانان میثاق با شهدا



یک آدم فضایی وسط کربلا است! شاید این تخیلی‌ترین جمله‌ای باشد که یک نفر درباره کربلا به گوشش می‌رسد. ولی حالا برای بچه‌های هیئت نوجوانان داستانی شده که آرزو دارند ای کاش واقعی بود. کمی عقب‌تر شروع می‌کنم؛ آدم فضایی ده دوازده‌ساله‌ای به اسم «فر فرو» یواشکی سفینه پدرش را برمی‌دارد تا از سیاره آفتوراما کمی فاصله بگیرد و در کهکشان دوری بزند. اما سفینه خراب می‌شود و او به اجبار در اولین سیاره، یعنی زمین فرود می‌آید. باید فکری برای برگشتن به سیاره‌شان بکند. در این حین او با پسرک نوجوانی هم سن و سال خودش آشنا می‌شود که اسم او «سامان» است و سامان از امام‌جماعت مسجدشان شنیده است که امام حسین علیه‌السلام سفینه نجات است و آن‌ها با این استدلال کودکانه‌ای که حتماً سفینه نجات می‌تواند سفینه فضایی را نجات دهد به سمت کربلا می‌روند و این شروع قصه سریالی ماجراهای فر فرو است.

قرار است در طول ده شب و با اتفاقات مختلفی که با امام حسین علیه‌السلام، دوستان و دشمنان امام می‌افتد، آشنا شوند. ماجرای مواجهه فر فرو با داعشی‌ها یا مواجهه او با یزید یا سفر در زمان برای تغییر تاریخ، از دیگر اتفاقاتی است که برای او رخ می‌دهد. اگر بگوییم این حجم از ارتباط‌گیری و فهم قصه از طرف نوجوانان متحیر شدیم و خیالش را هم نمی‌کردیم روزی کودکی، پدر و مادرش را به‌خاطر دیدن ادامه ماجرای فر فرو مجاب کند که به هیئت دیگری نروند. تصورش برای ما سخت بود که تکه کلام‌های فر فرو نقل دهان این بچه‌ها شود! تیم طراح و نویسندگی نمایش فکر این را نمی‌کردند که بچه‌ها مدام از آنها درباره قصه روز بعد بپرسند و اتفاقی که قرار است برای فر فرو بیفتد.

تکتک بخش‌های هیئت نوجوانان کار سختی دارند و اهمیت آن‌ها کمتر از قسمت تئاتر نیست؛ بلکه همه بخش‌ها مانند یک پازل هستند و نمی‌توان هرکدام از آنها را نادیده گرفت. راه ارتباطی ما با بچه‌ها از طریق نمایش است و وقتی مشاهده کردیم که بچه‌ها از ناراحتی آدم فضایی، ناراحت و با خوشحالی او، خوشحال می‌شوند، به این نتیجه رسیدیم که به لطف امام حسین علیه‌السلام، قصه‌های را خلق کنیم که بتوانیم هر محتوا و

پیامی را که مدنظر مریبان آنها می‌باشد، بدون اینکه مستقیم به آنها بگوییم و با نصیحت و اندرز به بچه‌ها بفهمانیم، برای آن‌ها انتقال بدهیم. وقتی برای یک آدم فضایی، که هیچ چیز از امام حسین علیه‌السلام و لطف او، هیئت و ندی، یزید و داعشی و... نمی‌داند، مفاهیم با زبان کودکانه بیان می‌شود و فر فرو تحت‌تأثیر این ماجرا قرار می‌گیرد و قطعاً این داستان یک خطی برای بچه‌ها جذاب خواهد بود.

بچه‌ها به لطف اهل بیت به قدری درگیر این ماجرا شدند که وقتی بازیگر نقش آدم فضایی، به شوخی به یکی از بچه‌ها گفت: اگر اذیت کنی تو را جادو می‌کنم. آن بچه جواب داد: مطمئنم این کارا را نمی‌کنی... چون تو فر فرو هستی و فر فرو خیلی مهربان و فداکار است. فداکاری؟! مهربانی؟! برادران و خواهران عزیزم این اتفاق ما را متوجه این موضوع می‌کند که ما می‌توانیم با خلق قصه و داستان‌های نمایشی جذاب، جهان بینی خود را به فرزندانتان انتقال بدهیم... آیا فرصتی بهتر از این وجود دارد؟! به یاد دارم که شبی، یکی از بچه‌ها سوآلی کردم که جوابش خیلی من را به فکر فرو برد:

_عمو جان قصه فر فرو را دوست داری؟

_بله

_چرا؟

_چون هم آدم فضایی داره و سفر در زمان و فرار از دست داعشی و... هم امام حسین علیه‌السلام.

یعنی فرزندان ما سال‌هاست که تشنه محتوایی هستند که هم روحیات نوجوانان آن‌ها را تأمین کند و هم اینکه با اعتقادات آن‌ها متناسب باشد و به مسائل دینی بپردازد. هیئت نوجوانان، که الحمدلله چند سالی است نمونه‌هایش در کشور زیاد شده است، می‌تواند نقطه تفاوت تولید محتوای ایرانی اسلامی برای نوجوانان مسلمان و همچنین نقطه عطفی در کار تربیتی برای نونهالان ایران باشد.

پیشنهاد می‌کنم به همه پدر و مادرها، خواهرها و برادرهایی که نوجوانی در اطراف خود دارند به تماشای قصه‌های فر فرو بیایند، چرا که ما بسیار مشتاق چشم‌های پاک و معصومشان هستیم.